

# میقات

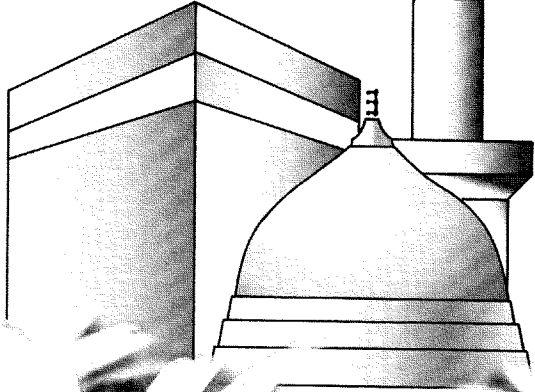
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فصلنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی

سال نهم

شماره سی و ششم

تابستان ۱۳۸۰



# میقات

صاحب امتیاز:

حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت  
مدیر مسؤول: ..... سیدعلی قاضی عسکر  
زیر نظر: ..... هیأت تحریریه

ویراستار: ..... علی ورسه‌ای  
طراح: ..... کمال ملقن  
حروفچینی: ..... مرکز تحقیقات حج  
لیتوگرافی: ..... سنا  
چاپ: ..... جلوه پاک

آدرس: تهران - خیابان آزادی - نبش خوش  
سازمان حج و زیارت - طبقه دوم - معاونت  
آموزش و تحقیقات بعثه مقام معظم رهبری

آدرس اینترنت: [www.Hadj.net](http://www.Hadj.net)

آدرس پست الکترونیک: [Beseh@Hadj.net](mailto:Beseh@Hadj.net)

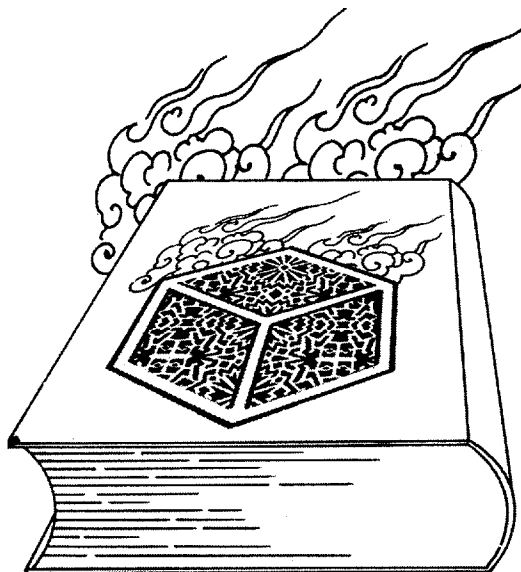
یادآوری:

- مسؤلیت آراء و نظرات به عهده نویسندگان آن است.
- میقات، در ویرایش مطالب آزاد است.
- مقالات رسیده، بازگردانده نخواهد شد.

# اسرار و معارف حج<sup>۳</sup>



# نگاهی به اسرار حج



شیخ حسن طراد - جواد محدثی

سال‌ها و قرن‌هاست که اندیشه‌ها، زبان‌ها و قلم‌های بسیاری، به تلاش برای شناخت «اسرار حج» و فلسفه احکام و عبادات، پرداخته و از این رهگذر، تألیفات ارزشمند و گرانبه‌ای پدید آمده و فرهنگ مکتوب دینی را غنی ساخته است.

کتاب «فلسفه الحج فی الاسلام» که به قلم «شیخ حسن طراد» از محققان خوش ذوق و علمای شیعی در لبنان است، یکی از این آثار است. این اثر در سال ۱۴۱۸ق. در ۲۳۶ صفحه، از سوی انتشارات «دارالزهرا» در بیروت منتشر شده است.

خوشحالیم که ضمن معرفی این کتاب به خوانندگان گرامی «میقات حج»، فشرده‌ای از مباحث آن و دیدگاه‌های نویسنده را تقدیم کنیم.

## اسرار حج

عبادت، فلسفه آفرینش انسان است و اگر با شرایط و آدابش انجام شود، رابطه ایمانی و عبودیتی انسان با خدا را تحکیم می‌بخشد. نتیجه مثبت عبادت همان

«تقوا» است که روح و قلب عبادت است و عبادت بی تقوا، پیکری بی جان است. همه عبادت‌ها از جمله حج از همین رمز و راز برخوردارند و با تأمین روحیه تعبد و تسلیم، سیر انسان را



هم آیات قرآن به این اخلاص در عبادت فرمان داده است، هم توصیه اکید رسول خدا ﷺ و امامان معصومین است. بالاترین انگیزه عبادت هم «حَبَّ الهی» است که به فرموده حضرت علی علیه السلام عبادت آزادگان است و برتر از عبادتی است که به قصد رسیدن به بهشت و ثواب یا به انگیزه گریز از عذاب دوزخ انجام می‌شود. برای رسیدن به اخلاص نیز، از جمله باید با راه‌ها و روش‌هایی آشنا شد که ابلیس از آن‌ها وارد می‌شود و بهره می‌گیرد و عبادت را تباه می‌سازد، مثل ایجاد تردید در اصل خدای متعال، یا ارزش و جایگاه دین و نقش آن در مدیریت جامعه، یا جاودانگی تعالیم اسلام و قدرت داشتن بر پاسخگویی به نیازهای روز. اگر از این راه‌ها نتوانست، حسنات او را از راه دیگری می‌سوزاند و خاکستر می‌سازد، راه آلوده ساختن به گناهان، یا آمیختن نیت به ریا و خودنمایی.

### پاکی مال

گام دیگر پس از پاک‌سازی درون از ریا و عوامل عمل‌سوز، پاک‌سازی مال از حقوق شرعی است و بدون آن نماز و

همهانگ با مجموعه هستی در مسیر هدف خلقت و کمال وجود، تنظیم می‌کنند.

برای روشن شدن این هدف و بهره‌نفته در حج، باید در برابر یکایک برنامه حج درنگ و تأمل داشت.

### اخلاص

پیش از پرداختن به رموز و اسرار و فواید هر یک از اعمال این عبادت مقدس، باید از مهم‌ترین رکن آن یاد کرد که درستی عمل و پذیرش این عبادت و رسیدن به هدف، به آن بسته است، یعنی «اخلاص» که در همه عبادت‌ها شرط نخستین است.

آنچه زمینه‌ساز فراهم آوردن این عنصر اساسی است، اهمیت دادن به نقش آن در درستی عبادت و برخوردار بودن انسان از ثواب است. باید کمی به خود نگریست و انگیزه‌های درونی را ارزیابی کرد. و آن را از هر انگیزه غیرالهی پیراسته ساخت و همانگونه که آلودگی جامه، مانع صحت نماز است، باید آلودگی نیت را هم مانع صحت و پذیرش نماز و هر عبادت دیگر دانست و با نیت پاک، به عبادت پرداخت و به رضای الهی رسید.

داشتن سعه صدر و ظرفیت و تحمل. برترین و کارآمدترین همسفر و همراه انسان «خدا» است که می تواند پیوسته تکیه گاه و همدم و مونس انسان قرار گیرد و ضعف انسان را به قدرت خویش جبران کند و در مشکلات، هراس زائر را به ایمنی تبدیل سازد و او را تقویت روحی و ایمانی کند. «دعا» کلید ارتباط با این همدم دایمی است و انس با او، انسان را از احساس تنهایی نجات می دهد.

### حج، کوچ فکری و روحی

عبادت، برای رساندن انسان به ارزش های برتر معنوی و گسستن از وابستگی های مادی است. روح، کششی به سوی بالا و افق های متعالی دارد و عبادت، زمینه ساز این ارتقای روحی است و سبک بالی روح، در سایه پرستش فراهم می آید. نمازهای روزانه، مثل شستشوی پنج نوبت در آب که بدن را پاک می کند، پاک ساز روح از آرایش های گناهان است. حج نیز با آن که در سراسر عمر یک بار واجب است، همین نقش را ایفا می کند و ویژگی ها و کیفیتی که در این عبادت نهفته، آن را امتیاز می بخشد و

عبادات و حج انسان تباه می شود. حاجی که بخواهد با مال و ثروتی که حقوق دیگران به آن تعلق گرفته، هزینه سفر حج و تهیه جامه احرام و قربانی و... را بپردازد، نماز و طواف و حجش باطل می شود و از قربانی حرام بهره ای نمی برد و از مسیر طاعت و بندگی که جوهره حج و عبادات دیگر است، دور می شود.

اهتمام به ادای این حقوق لازم است و سهل انگاری در پرداخت خمس و حقوق واجب مالی و امروز و فردا کردن، حاجی را در پرتگاه این تباهی عمل و عبادت قرار می دهد و نوعی بی توجهی به سپاس نعمت های الهی به شمار می رود.

### همسفر خوب

حج، علاوه بر آن که عبادت است، یک سفر و کوچ هم محسوب می شود. نقش همسفر و همراه در موفقیت آمیز بودن سفر را نمی توان انکار کرد، به خصوص اگر این همسفر، عهده دار کارهای کاروان و مدیریت حج زائران باشد. همسفر خوب کسی است که این ویژگی ها را داشته باشد: دین شناسی و آگاهی از مسائل شرعی، راستگو و درست کردار و امین بودن، صبوری و



متجلی می‌شود. قرآن هم فرموده است که از قربانی شما، گوشت و خونی به خدا نمی‌رسد، بلکه تقوای شما به خدا می‌رسد<sup>۱</sup> و این اشاره به بهره‌وری خود انسان از عبادات خویش است و آن‌که سود می‌برد، خود اوست نه خدا. باز هم قرآن، ثمره حضور در عرصه مهم و گسترده حج را مشاهده منافع خویش معرفی می‌کند ﴿...يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ \* لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ...﴾<sup>۲</sup>.

این‌که اسرار و فواید حج چیست، نیاز به توضیح و تبیین دارد. از احرام گرفته تا طواف و نماز و قربانی و وقوف و... همه حکمت‌ها و اسراری دارد که باید آن‌ها را شناخت و شناساند. مؤمنان راستین باور آگاهانه دارند که خداوند، سرچشمه خیر و نیکی است و از رهگذر تشریح این‌گونه عبادت‌ها هم قصدی جز خیررساندن به بندگان ندارد. پس باید خیرهای نهفته در این شعائر و عبادات را فهمید. توجه به این حکمت‌ها و فلسفه‌ها ریشه در دین ما دارد. امام صادق علیه السلام در «توحید مفضل» به تبیین این‌گونه معارف پرداخته است، کتاب «علل الشرایع» مرحوم صدوق، براساس همین هدف تدوین شده است. علمای بسیاری هم به

رنج‌های سفر و تنگناهای انجام اعمال، پالاینده روح و بیدارگر فکر است. «عامل کیفی» حج، جبران «عامل کمی» را بر عهده دارد و حج را به مثابه حضور در یک میدان نبرد می‌سازد. از این رو اثربخش‌تر و کارسازتر است.

در این فریضه، هم حرکت جسمی است هم فکری، هم تلاش بدنی است هم تکاپوی روحی، و جان آدمی با این دیوال در آسمان فضیلت و معنویت به طیران می‌آید. در سایه حرکت فکری است که انسان به فلسفه آفرینش و رمز عبودیت و بندگی خویش نزدیک‌تر می‌شود و به منافع برتر از سود مادی می‌اندیشد و «راه آخرت» را می‌پیماید و از دوراهی تقوا و عصیان، راه تقوا و طاعت را برمی‌گزیند. این کوچ معنوی برای یک مسلمان بسیار سودمند است. در کنار آن تحرک جسمی هم وجود دارد و ناگفته پیداست که هر حرکت جسمی، مسبوق به حرکت فکری و رسیدن به مرحله عزم و اقدام است. مجموعه این برنامه‌ها «ملکه عبودیت» را برای انسان فراهم و روح بندگی را تقویت می‌کند.

بازگشت آثار و نتایج حج، به خود حاجی است و ثمراتش در زندگی خود او

خویش را که نمودار شوون دنیوی و حالت اهل دنیا است تغییر دهد و لباس آخرت بپوشد و شبیه آنان گردد که با مرگ، به آخرت قدم می‌گذارند و از جامه‌های دنیوی عریان می‌شوند. این حالت، خشوع او در پیشگاه خدا و قطع وابستگی به جلوه‌های دنیوی را در پی دارد. بر زبان آوردن ذکر «لَبَّيْكَ»، بیانگر آمادگی روحی برای پذیرش هر ندا و فرمانی است که تکلیفی شرعی را در بر دارد، چه امر باشد چه نهی.

فریضه‌هایی چون روزه، نماز، خمس، زکات و جهاد، با همه مفاهیمش، به نحوی در دل حج نهفته است و احرام، آغاز پایبندی به انجام فرمان نسبت به «امساک»‌هایی است که در طول حج خواهد داشت. مشقت‌های حج و نماز طواف و قربانی و... همان رهاوردها را دارد که عبادات یادشده داراست.

احرام، محرم را با دیگران همسان می‌سازد و امتیازات و مرزهای تشخص و نمودهای برتری را از میان برمی‌دارد و همگان را یکسان در پیشگاه خدا به تکرار شعار واحد می‌کشانند: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ...»

نگارش کتاب‌هایی در فلسفه عبادات پرداخته‌اند.

شناخت این حکمت‌ها، ایمان را راسخ‌تر و معرفت راریشه‌دارتر می‌سازد.

### حکمت احرام

نخستین گام حج یا عمره، «احرام» است. چرا احرام؟ و چرا از میقاتی معین؟ این‌که کیفیت انجام حج، مقید به قیود و آدابی است، درسی تربیتی در مسیر عبادت، خضوع و تسلیم در آستان خداوند است. حتی اگر راز آن را ندانیم، خود این فرمان و لزوم اطاعت آن، سازندگی دارد و گردن نهادن به حکم خدای حکیم، نشانه پذیرش و ایمان عمیق است. در قرآن نیز تن دادن به داوری خدا و چون و چرا کردن در آن‌چه فرمان اوست، دلیل ایمان راستین است.<sup>۳</sup> به هر حال، حکمت احرام آن است که وقتی زائر به میقات می‌رسد، در ذهن خویش صورت اقدام برای ورود به حرم الهی و مراعات محرمات و حرمت نهادن به اوامر خدا را ترسیم کند و همه اعمال را با همین نیت و ذهنیت انجام دهد. برای این‌که احساس در جان زائر اثر عمیق بگذارد، خواسته شده که وضع ظاهری





## حج و درس تواضع

نقش حج، تربیت بر اساس تواضع و خاکساری و لغو امتیازات اجتماعی است. خدا خواسته از نظر امکانات مادی ظاهری، همه در پایین ترین سطح باشند تا تنظیم امور جامعه، آسان تر شود. این آموزه، از خلال تجرد از لباس های دوخته و علائم تشخص آفرین به دست می آید تا از این رهگذر به امتیاز معنوی «تقوا» نائل آیند و شکل و ظواهر را معیار برتری ندانند.

حج به راحتی این اثر روحی را در انسان پدید می آورد و او را به «مکارم اخلاق» که هدف بعثت پیامبر اسلام است نزدیک تر می سازد.

## حج و پارسایی

دل بسته نبودن به دنیا و زهد ورزیدن، از مکارم اخلاق است و یکی از درس های تربیتی حج همین است. از نخستین لحظات تصمیم گرفتن برای حج، مشقت ها، رنج های جانکاه راه و اعمال و ازدحام مطاف و صحنه رمی جمرات و شدايد وادی منا به ذهن انسان می آید و شبیحی از مرگ ترسیم می شود. این تصورات، یادآور آن است که وی در این

دنیا نزد خویشان و دوستان مهمان است و جایگاه ابدی جای دیگری است که آن جا دستاورد عمل دنیوی خود را مشاهده خواهد کرد و یا به بهشت یا دوزخ خواهد رفت. به این سبب، وابستگی به دنیا کمتر و توجه به آخرت بیشتر می شود. احساس می کند که تحت مراقبت الهی و در پیشگاه او قرار دارد و حالتی بین خوف و رجا در وی پدید می آید.

دستورالعمل ها و امر و نهی های حج و محرمات بسیار که باید مراقب آنها باشد، حالتی از بیداری و مواظبت و پروا پیشگی در وی ایجاد می کند، تا پس از درآمدن از احرام نیز، این کنترل های دقیق را بر اعمال و حالات خویش داشته باشد.

## حج و امنیت

از درس های تربیتی حج، ایجاد فضای امن و آرام و گسترش آن نسبت به همه کس و همه چیز است. حتی غیرمسلمان از رفتار حاجی در آرامش است. آزار او حتی به حیوانات و مرکب سواری خویش هم نمی رسد. گیاهان و درختان و حشرات هم در مقطعی از اعمال، احساس امنیت می کنند.

رسوخ می‌کند، از دروغ و ناسزا و استهزا و حرام‌های زبانی پرهیز می‌کند. از جدال بیهوده چشم می‌پوشد و زبان را به خیر و ذکر و دعا عادت می‌دهد. قرار گرفتن در بوتۀ «ادب اسلامی» و گذاخته شدن در کورۀ «اخلاق قرآنی» او را چنان می‌سازد که پس از خروج از احرام و در خارج حرم و بعد از بازگشت به میهن نیز، مقید به این آداب باشد. البته همه این‌ها وقتی است که آگاهانه اعمال حج را انجام دهد و فلسفه و عمق «احرام» را دریابد.

### حکمت طواف

انجام این تکلیف با کیفیت خاصّ و تعداد معین، نشان‌دهنده‌ی مراعات پای‌بندی به احکام الهی و تعبد در پیشگاه خداست. وقتی طواف به صورت خاص انجام می‌گیرد، بی‌آن‌که زائر، سرّ آن را بداند و تنها به خاطر اطاعت فرمان خدا و انجام تکلیف الهی و با باورداشت نسبت به حکمت آسمانی آن انجام می‌دهد، روح تعبد و جوهره‌ی عبودیت تقویت می‌شود.

هرچه تشریح دینی پیچیده‌تر و رمز آلوده‌تر باشد که فلسفه تفصیلی آن را ندانیم، در تربیت بُعد تعبد و تسلیم مؤثرتر است و اگر در آیات و روایات،

حج، صفت بردباری و تحمل و سلم و پرهیز از آزار و جفا به موجودات دیگر را در انسان به ودیعت می‌گذارد. اگر به این خصلت، آگاهانه بنگرد، آن را به مثابۀ صفتی شایسته در طول زندگی تلقی می‌کند و در رفتار اجتماعی او جز سلم و صلح نخواهد بود و این‌گونه به قرب و رضای الهی نزدیک‌تر می‌شود و تا حدی رشد می‌کند که بدی را با خوبی پاسخ می‌دهد و خشم خود را فروخورده، از دیگران درمی‌گذرد و با رشته‌ی محبت و احسان، دل‌ها را شکار خویش می‌سازد.<sup>۴</sup>

خدای متعال، چهارماه حرام (ذی‌قعدة، ذی‌حجه، محرم و رجب) را برای همین هدف قرار داده که صلحی فراگیر در همه‌جا و همیشه پدید آید، نه تنها در حرم و در حال احرام. مراعات این برنامه‌ها پس از بازگشت هم در رفتار و سلوک حاجی اثر می‌گذارد و او را به برکات صلح و امنیت واقف می‌سازد.

### حج و پای‌بندی به آداب

احکام دین و آداب و سنن شرع، وقتی در رفتار یک مسلمان جلوه کند، ارزش آن روشن می‌شود. در سایه حج، تعهد به این آداب، در روح و رفتار زائر



زندگی لازم است و «طواف»، ترجمانی از آن تعهد است.

طواف، علاوه بر چرخش اختیاری بر گرد کعبه، هماهنگی با چرخش تکوینی همه موجودات بر گرد محور و مرکزی است که خداوند قرار داده است و از سه جزء اتم (پروتون، الکترون و نوترون) پروتون محور است و آن دو جزء دیگر بر گرد آن می چرخند. انسان نیز جزئی از این هستی است و جسم او از اجزای مادی ترکیب شده که حرکتی طواف گونه بر گرد مرکز خویش دارند.

می توان چنین برداشت کرد که هدف از وجوب طواف، هماهنگ ساختن حرکت اختیاری انسان بر گرد کعبه یا حرکت اتم بر گرد محور خویش و حرکت فرشتگان بر گرد بیت المعمور است. همه هستی مثل حرکت تکوینی طواف بر محور مشخص شده انجام می گیرد و حرکت تشریحی هم طواف تمرینی است ازادی برای هماهنگی با این حرکت کلی تکوینی و نتیجه اش خضوع و تسلیم و عبودیت مؤمن با همه وجودش در برابر اراده الهی است و به هر اندازه این هماهنگی بین دو حرکت تکوینی و تشریحی بیشتر باشد، آرامش و

برخی حکمت های احکام بیان شده، جهت تأکید بر وجود حکمت در احکام خداست، مثل آیاتی که روزه را برای پیدایش تقوا و نماز را بازدارنده از فحشا و منکر و زکات را برای پاک سازی جانها و جهاد را برای دفع مفسدین و حج را برای مشاهده منافع و عامل یاد خدا می داند. حضرت زهراء علیها السلام نیز در خطبه معروف خویش به فلسفه تشریح و برخی از احکام الهی اشاره کرده است (فَجَعَلَ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشَّرِّ...).

در روایتی از حضرت رضا علیه السلام آمده است: فرشتگانی که به خلقت آدم اعتراض داشتند، پشیمان شدند و به عرش الهی پناه بردند و استغفار کردند. خدا دوست داشت بندگان نیز این گونه پرستش کنند. در آسمان چهارم خانه ای مُحاذی عرش قرار دارد به نام «ضراح». کعبه را هم در زمین مُحاذی بیت المعمور قرار داد و از آدم علیه السلام خواست که آن را طواف کند و توبه نماید. این سنت در نسل او تا قیامت جاری گشت.<sup>۵</sup>

البته هدف از طواف، عمیق تر و وسیع تر از آن است که یاد شد. هدف، الزام کامل و انضباط دقیق و هماهنگی با اراده تشریح خداوند است که در همه

است، دیگری جهت دهنده به حرکت. کمترین اثر شعائر حج و انجام این اعمال، ادای تکلیف و سقوط آن از ذمّه انسان است، ولی اثر مطلوبی که خدا خواسته، قرار دادن پیوسته بنده در چهارچوب شریعت الهی است، یعنی باید با ترک همه حرام‌های شرعی، پیوسته در احرام بماند و پس از پایان طواف، حرکتی عمومی طواف با طواف معنوی قلب بر گرد مرکز شریعت پروردگار آغاز شود و هرگز از هیچ حدی از حدود این مطاف تخطی نکند، چرا که قلمرو طواف معنوی به گستردگی حرکات عبادی مکلف است و به ماه‌های خاص یا اماکن معینی محدود نمی‌شود.

### محدوده طواف و نقطه آغاز

طواف از حجرالاسود آغاز می‌شود. به تعبیر روایات، حجرالاسود رمزی از مصافحه و پیمان بستن با خدا برای پای بندی به عبودیت و میثاق فطرت است. عادت مردم بر این است که با دست راست پیمان می‌بندند. به بیان مجازی، حجرالاسود هم دست الهی است و رمز قدرت فراگیر الهی. از این رو به این سنگ مقدس در روایات «یمین الله» گفته شده

سعادت روحی و مادی برای انسان پدید می‌آید، چون خداوند، هستی را مسخر انسان ساخته تا به او خدمت کند. نظام تشریحی هم برای کمال و سعادت مند ساختن انسان است. هرگاه دومی با اولی در زندگی انسان هماهنگ شود، همه آن سعادت و کمال منظور تحقق می‌یابد.

در همه عبادات که بر کیفیتی خاص تشریح شده است، دو اثر وجود دارد: یکی اثر خاص همان عبادت، دیگری نقشی که همه این‌ها در سعادت، رشد مادی و معنوی و کمال دنیوی و اخروی انسان دارند، مثل اعضای یک پیکر، که علاوه بر نقش و وظیفه خاص هریک، در تأمین هدف کلی یعنی خدمت به انسان در مسیر خیر و احسان همکار و هماهنگ‌اند. نقش این تعاون وقتی روشن می‌شود که یکی از اعضا به عللی نتواند وظیفه‌اش را انجام دهد. تأثیر اختلال کاری آن بر همه اعضای دیگر آشکار می‌شود، هرکدام به تناسب و اهمیت نقشی که در این مجموعه دارد.

در تشبیه عبادت‌های مختلف به اعضای بدن، می‌توان نماز را به «قلب» تشبیه کرد که اثری نیرومند بر حیات انسان دارد و حج رابه «عقل». یکی حافظ حیات



پیشگاه خداست و پس از طواف، آن عمل عبادی را به کمال می‌رساند. دیگر آن‌که پیوند این نماز به مقام ابراهیم (وَاتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى) توجه دادن نسل‌های آینده‌ای که به این جایگاه می‌رسند به نقشی است که حضرت ابراهیم به همراهی پسرش اسماعیل نسبت به حج داشتند که تجدیدکننده بنای کعبه و برافرازنده پایه‌های آن بودند. چون پس از طوفان نوح و وزش بادهای توفان، پوشیده و پنهان شده بود و با وزش باد به امر خدا، دیگر بار پایه‌های اساسی آن آشکار شد. نیز آگاهی از سیره این پیامبر بزرگ و عبادت خالصانه وی، شخصیت معنوی و برجسته و نمونه او را که به قلّه اخلاص و توحید رسیده بود آشکار می‌سازد و این شناخت، الهام‌بخش روح عبودیت و قلب عبادت حقیقی است. آن پیامبر بزرگ، با ایمان و اراده‌ای بزرگ، سخت‌ترین آزمون‌ها را پشت سر گذاشت، تا اسوه دیگران گشت. اقتدا به این شخصیت نیز، تنها نسبت به مواردی نیست که قرآن یاد کرده است (مثل ذبح اسماعیل و طرد شیطان و وا گذاشتن همسر و فرزند در بیابانی خشک و...) بلکه همه زمینه‌های تعبد و عبادت

است. خداوند میثاق پیامبران را در این سنگ قرار داده و از مردم خواسته تا امانت تکلیف و مسؤولیت را از طریق این سنگ ادا کنند و به این خاطر در دعای طواف آمده است که هنگام قرار گرفتن در محاذی حجرالاسود، با جمله «اللّٰهِي اَمَانَتِي اَدَيْتُهَا...» بر این نکته تأکید کند.

امام سجاد علیه السلام فرمود: هرگاه در مطاف قرار گرفتی، پیش از آن‌که جسمت طواف کعبه کند، دلت صاحب خانه را یاد کند. این، توجه دادن آن حضرت به حقیقت و جوهر عبادات است که باید جسم و جان هماهنگ باشند و «ایمان قلبی» به «عمل اندامی» منتهی شود. بدون این هماهنگی تن و روح، ایمان سودی نخواهد بخشید. رعایت محدوده‌های طواف و نقطه آغاز و انجام آن و تعداد دورهایش، برای تقویت همین بُعد از وجود انسان است.

### حکمت نماز طواف

در این که پس از طواف، باید نماز طواف را در پشت «مقام ابراهیم» خواند، نکته‌های مهمی است:

نخست آن‌که نماز به‌طور کلی بارزترین نمود عبودیت و خضوع در

خالص را فرامی‌گیرد.

ابراهیم، با ایمان خالص خویش، آن امتحانات را با موفقیت پشت سر گذاشت، تا به خواست الهی اسوه مؤمنان قرار گیرد و همسرش هم سرمشق زنان باایمانی شود که در معرض این‌گونه آزمایش‌ها قرار می‌گیرند و باید با تحمل مشقت‌های جسمی و روحی، اراده و فرمان حق را اجرا کنند. دشوارترین مرحلهٔ آزمون هاجر، تشنگی اسماعیل در آن صحرای خشک بود که مادرش در پی آب برای کودک، مسیر بین کوه صفا و مروه را هفت بار پیمود و از رحمت خدا نومید نشد، تا آن‌که چشمه از زیر پای اسماعیل جوشید و رحمت الهی شامل آن مادر و فرزند شد و جسم و جانشان را سیراب ساخت و آموخت که در نهایت غربت و تنهایی و بی‌پناهی هم، خدا بهترین پناه و تکیه‌گاه است. قبیلهٔ «جرهم» نیز که این عنایت خدا را شاهد بودند، محبت آن کودک و مادر را بر دل گرفتند، به‌خصوص وقتی فهمیدند که او از نسل ابراهیم است و مادرش همسر اوست و این همان دعای حضرت ابراهیم بود که:

﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ

ذِي زُرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا  
الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي  
إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ﴾<sup>۶</sup>

حکمت الهی جایزه‌ای دیگر به هاجر بخشید، تا جبران آن صبر و خلوص باشد، یعنی سعی میان صفا و مروه، همسان هاجر بر هر حاجی واجب شد، تا یاد هاجر به عنوان الگویی برای آنان که در راه هدفی بزرگ می‌کوشند و صبر می‌کنند تا به رضای الهی برسند، جاودانه بماند.

داستان هجرت ابراهیم با همسر و کودکش به این سرزمین درس‌های متعدّد داشت، مانند: تسلیم و رضا به قضای الهی، تحمل سخت‌ترین آزمون‌ها در راه اجرای فرمان، توکل آگاهانه بر خداوند و فضل او، تبدیل شدت به فرج برای صابران و... که فرمان ذبح فرزند، بزرگ‌ترین این آزمون‌ها بود و می‌بایست این درس‌ها سرمشق مؤمنان به خدا قرار گیرند.

### حکمت رمی و ذبح و حلق

در قربانی به پیشگاه خدا و رمی جمرات در روز عید قربان، حکمت‌هاست. رهاورد قربانی، نیکی و احسان به فقیران است. هرچند اگر زمینۀ بهره‌وری



الگوی پدران، مادر، الگوی همه مادران و اسماعیل، الگوی جوانان، تا جوانان با الهام از اسماعیل، وارد میدان‌های جهاد اکبر و اصغر شوند و از نثار خون و جان در راه خدا و اهداف متعالی سرباز نزنند. این عمل در حج، احیاگر آن خاطره‌ها و فداکاری‌هاست، تا درس آموز ایثار و عبودیت و تسلیم باشد و انسان را در میدان مبارزه با نفس، نیرو بخشد.

حلق و تقصیر پس از رمی و قربانی، رمزی برای زدودن گناهان و زوال آلودگی خطاها از روح و جان است، تا فلسفه تحقق تقوای الهی که در همه عبادات از جمله در حج نهفته است، ظهور یابد.

این‌گونه است که حج، در قامرو آثار و نتایجی که دارد، به خودشناسی و مردم‌شناسی هم کمک می‌کند، تا هرکس میزان موفقیت خویش را در این عرصه دریابد و بداند که آیا حج، تحوّل و دگرگونی در وضع او پدید آورده است یا نه؟ مثل دانش‌آموزی که در امتحان مردود می‌شود و در همان کلاس قبلی می‌ماند، یابیماری که پس از مداوا باز هم تندرستی خویش را باز نمی‌یابد، این نشانه بی‌خاصیتی آن درس و این درمان است. حج نیز می‌تواند آزمونی برای

تهیدستان از گوشت قربانی هم فراهم نباشد، خود این کار، روح عبودیت و فرمانبرداری از خدا را در جان مکلف افزون‌تر می‌سازد. در عین حال، مسؤولان امر باید با برنامه‌ریزی حساب‌شده، زمینه استفاده از این ثروت هنگفت - که با انگیزه‌های الهی تقدیم می‌شود - و توزیع آن میان نیازمندان کشورهای اسلامی را فراهم آورند تا مصداق تبتذیر نگردد.

«رمی جمره» در صبح روز دهم، یادآور طرد شیطان و نفی وسوسه‌های او در عمل نکردن به فرمان خداست. چه در داستان حضرت اسماعیل باشد که سه بار شیطان را از خویش راند، چون وسوسه می‌کرد که خود را برای قربانی شدن آماده نسازد، و چه مربوط به حضرت ابراهیم که شیطان را می‌راند و هر بار با هفت سنگ، تا مانع انجام امر خدا نشود. برخی هم گفته‌اند علاوه بر این پدر و پسر، شیطان هاجر را هم وسوسه می‌کرد تا برای قربانی شدن فرزندش رضایت ندهد و مانع ذبح گردد.

کار این سه شخصیت بزرگ، الگویی برای همه مؤمنان تاریخ شد، که دستور خدا را هرچه سخت باشد اطاعت کنند و راضی به قضای الهی باشند. پدر،

موفقیت انسان در امتحان خودسازی به‌شمار آید، چون در مدرسه دین و مکتب ایمان هم بعضی به موفقیت می‌رسند و برخی مردود می‌شوند. میزان پای‌بندی به احکام الهی، شاخص قبولی در این کلاس و مدرسه است.

ابتلای انسان‌های خدا‌باور به انواع رنج‌ها و بلاهای آسمانی، برای تقویت روح و ایمان و صبر و آموزش درس و تسلیم در برابر مشیت و فرمان الهی است و آن‌چه در زندگی انبیای الهی و اصحاب صبور آنان مثل بلا و... پیش آمده است، صحنه‌هایی از این آزمون خدایی است. آن‌چه که در تاریخ اسلام و در حادثه کربلا پیش آمد، نمونه‌ای دیگر از این‌گونه آزمایش‌های سخت الهی برای خاندان پیامبر بود و حسین علیه السلام نیز وارث سلسله پیامبران و وارث آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم گشت

و بعد الگویی حضرتش جاودانه ماند. براساس این فروغ فراگیر که از عاشورا دریافته‌ایم، می‌توانیم خطاب به سیدالشهدا علیه السلام چنین بگوییم:

یادتو، انقلابی پیوسته در میان ماست. زمان می‌گذرد، ولی فروغ آن نهضت برافروخته‌تر می‌شود.

هرگاه در جامعه ما یزید ستمگری طغیان کند، یک حسین هدایتگر رودرروی او می‌ایستد، تا دین حق، به‌عنوان راهی پیش‌برنده، بماند و ما به برتری و اعتلا برسیم.

ما در سایه روح بزرگ و بلند تو، همیشه عزیز می‌مانیم و جز در پیشگاه خدایمان سرفرود نمی‌آوریم.

و... این، بنیان قوانین آسمانی است، که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم برای تکمیل آن آمده است.

### پانوشتها:

۱. حج: ۳۷
۲. حج: ۲۸
۳. فلا وربك لا يؤمنون حتى يُحكّموك فيما شجر بينهم... (نساء: ۶۵).
۴. فصلت، ۳۴. «ادفع بالتي هي أحسن...»
۵. وسائل الشيعه، ج ۹، ص ۳۸۸
۶. ابراهیم: ۳۷